



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است. برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

فاطمه

کلیدواژه: حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها، عبودیت، نبوت، امامت، عبد.

برسش: سند روایت «...لولا فاطمه لما خلقتكما» چیست و معنای این روایت را توضیح دهید.

باسخ: این روایت را مؤلف «حنة العاصمة»، از «کشف اللالی» تألیف صالح بن عبدالوهاب عرندس نقل می‌کند. همچنین در «مستدرک سفینه البحار»، از «مجمع النورین» مرحوم **فاضل مرندی** نقل شده و نویسنده «ضیاء العالمین» جد امی صاحب جواهر نیز این روایت را در کتاب خود آورده است. توضیح عبارت «لولا فاطمه لما خلقتكما» به‌طور اجمال این است که اگر به خاطر مقام **عبودیت** نبود، نبوت و امامت به غایت خود نرسیده بود؛ چراکه **نبوت** و امامت مقدمه‌ای برای رسیدن به مقام **عبد** مطلق است. این مقام در خود پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و **علی‌علیه‌السلام** نیز بود؛ ولی در فاطمه - سلام‌الله‌علیها - منحصرأ همین مقام تجلی کرد. بنابراین در این **روایت** تکیه اصلی بر آن حضرت - سلام‌الله‌علیها - شده است.

فهرست مندرجات

- ۱ - مقام حضرت فاطمه
- ۲ - معنای لغوی فاطمه
- ۳ - عبودیت فاطمه زهرا
 - ۳.۱ - روایتی از امام صادق
 - ۳.۲ - روایتی دیگر
- ۴ - رابطه ذات امامت با حقیقت فاطمه
- ۵ - سر وجود فاطمه
- ۶ - حقیقت وجودی حضرت محمد
- ۷ - حدیث لولا فاطمه
- ۸ - سند روایت
- ۹ - علت مجهول بودن راوی
- ۱۰ - بخش‌های روایت
 - ۱۰.۱ - فقره اول روایت
 - ۱۰.۱.۱ - تقریر عرفا
 - ۱۰.۲ - فقره دوم روایت
 - ۱۰.۳ - فقره سوم روایت
- ۱۱ - معنای لولا فاطمه...
- ۱۲ - پانویس
- ۱۳ - منبع

مقام حضرت فاطمه

روایات در مورد مقام و منزلت حضرت فاطمه - سلام‌الله‌علیها - بسیار است و مضامین برخی از این **روایات** حاکی از مقاماتی منحصر به فرد و حیرت‌آور در مورد ایشان است.

معنای لغوی فاطمه

براساس روایات، لغت فاطمه به معنای کسی است که مردم توان رسیدن به **معرفت** او را ندارند و دستشان از **شناخت** او کوتاه است: «**إِنَّمَا سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطَمَعُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا**». [۱] گو اینکه سر مخفی خداوند نیز در فاطمه نهان است و **شناخت خدا** و **عرفان حق** رابطه تنگاتنگی با شناخت حضرت فاطمه دارد؛ همچنان‌که فاطمیت هم صفت امتناع از **شناخت** و در **حجاب** بودن و مقیم **حرم** الهی بودن را تداعی می‌کند.

عبودیت فاطمه زهرا

می‌دانیم که حضرت فاطمه - سلام‌الله‌علیها - به ظاهر نه **پیامبر** بود و نه **امام** پس این گوهره‌ای که باعث شد از چنین جایگاهی در **عالم** برخوردار باشد، غیر از نبوت و امامت ظاهری است. این گوهره قدسی را هرچه بنامیم، مسلم است که به کنه معرفت آن باز هم نخواهیم رسید؛ اما در **عالم** عبارت، می‌توان از آن به گوهره عبودیت تعبیر کرد. عبد بودن به معنای واقعی کلمه یعنی از خود هیچ نداشتن و همگی خدا شدن، پس عبد خدا آیین خداست.

← روایتی از امام صادق

از همین روی است که **امام صادق علیه‌السلام** در مورد حقیقت عبودیت می‌فرماید: عبودیت گوهره‌ایست که کنه آن ربوبیت است. («العبودية جوهر کنهها الربوبية فما فقد من العبودية وجد في الربوبية و ما خفي عن الربوبية أصيب في العبودية»). [۲] این گوهره همان گوهر گمشده **انسان** و همان سر الاسرار عرفان است.

← روایتی دیگر

در روایتی دیگر آمده است که شناخت فاطمه، همان شناخت **شب قدر** است («**مُحَمَّدٌ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعَنَّبًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَام - أَنَّهُ قَالَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ النَّبِيَّةَ فَاطِمَةَ وَ الْقَدْرَ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ...**»). [۲] و غایت همه عارفان درک

حقیقت شب قدر است و عارف و اصل کسی است که **شاهد** بر واقعه **نزول قرآن** در شب قدر باشد.

رابطه ذات امامت با حقیقت فاطمه

از طرفی امام در مقام باطنی خود صاحب مقام **قرآن** ناطق است؛ یعنی سر امامت مربوط به دریافت حقیقت غیبی قرآن است و این‌گونه است که ذات امامت نیز رابطه خاصی با حقیقت حضرت فاطمه - سلام‌الله‌علیها - دارد.

سر وجود فاطمه

آنچه برای عموم مردم **آشکار** می‌شود، مقام نبوت است و **امامت** به‌عنوان **کمال دین** به‌واسطه نبوت ابلاغ می‌شود و گروهی خاص آن را درمی‌یابند و آنچه از مقام امامت نیز که مصون از شناخت اغیار باقی می‌ماند (مگر برای محرمان سر خدا) همان سر وجود فاطمه است که در نقاب **عصمت** و **غیرت** الهی مخفی مانده است.

حقیقت وجودی حضرت محمد

پس امامت سر نهان **نبوت** است و **جوهره** عبودیت هم سر نهان امامت است؛ اما نکته در اینجا است که این سه مرتبه و مقام در وجود پیامبر اسلام در **وحدت** کامل و در حد کمال حضور دارند. این است که مقام خود پیامبر از همه چهارده **معصوم** بالاتر است. با این حال مقام امامت محمدی در **علی علیه‌السلام** و مقام عبودیت هم در حضرت فاطمه - سلام‌الله‌علیها - تجلی یافته و به‌عنوان مشخصه اصلی **آشکار** شده است. به این ترتیب در مورد سیر ظهور حقیقت وجودی حضرت **محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله** باید گفت که مقام عبودیت از مقام نبوت و امامت برتر است و از همین روی آنچه در وجود حضرت فاطمه محقق شده است، نهایی‌ترین مقام برای یک انسان است که غایت نبوت و امامت محسوب می‌شود.

حدیث لولا فاطمه

مجموعه روایاتی که در مورد مقام و منزلت حضرت فاطمه - سلام‌الله‌علیها - از جانب پیامبر و سایر **معصومان** نقل شده، همچنین **احادیث** قدسی بسیار زیادی که در مورد آن حضرت در ضمن سخنان قدسی **خداوند** آمده است (تنها در کتاب «القدیسه فی الاحادیث القدسیه» تألیف اسماعیل الانصاری، تعداد ۲۵۲ حدیث قدسی در شأن و منزلت حضرت فاطمه گردآوری شده است. انتشارات دلیل ما.) خودبه‌خود به مضمون مطالب پیشین دلالت دارد؛ اما آنچه به صراحت به مقام خاصی در مورد حضرت فاطمه اشاره دارد و برخی **علما** آن را در کتب خود آورده‌اند، این **حدیث قدسی** در مقام خطاب به پیامبر اسلام است که:

«لولاک لما خلقت الافلاک، و لولا علی لما خلقتک، و لو فاطمه لما خلقتکما» [۴] [۵] [۶] [۷] [۸]

(هذا الحدیث من الأحادیث المأثورة التي رواها جابر بن عبدالله الأنصاری عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عن الله تبارک وتعالی). [۹]

سند روایت

در مورد سند این **روایت** باید گفت که اگرچه این روایت طبق موازین **علم رجال** جزو احادیث ضعیف محسوب می‌شود، با این حال بسیاری از علمای بزرگ شیعه آن را در کتب خود آورده‌اند. قسمت اخیر روایت (لولا فاطمه لما خلقتکما) را حنة العاصمة/۱۴۸ از «کشف اللغالی» تألیف صالح بن عبدالوهاب عرندس نقل می‌کند. مستدرک سفینه البحار هم در ج ۳، ص ۳۳۴ از «مجمع النورین» مرحوم فاضل مرندي نقل می‌کند و از نویسنده ضیاء العالمین جد امی صاحب جواهر نیز نقل شده است. میرزا ابوالفضل تهرانی در «شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور» ۸۴/ و ... نقل می‌کند که، صالح بن عبدالوهاب و برخی روایت سائق او مجهول هستند؛ ولی این نکته دلیلی بر **کذب** روایت نیست.

علت مجهول بودن راوی

بعلاوه اینکه باید توجه داشت که در این‌گونه **روایات** که مربوط به مقاماتی خاص در مورد معصومان هستند مجهول بودن **راوی** امری متوقع است؛ چراکه در عصر **انتم** به‌خلاف **راویان احکام** فقهی که مشکلی در رفت‌وآمد و معاشرت نداشتند، روایان اعتقادات (به‌دلیل شرایط **تقیه**) افرادی منزوی از **معاشرت** معمول بوده و چندان اهل تماس در مجامع مطرح در مباحث روز نبوده‌اند و **عدالت** و **وثاقت** آنها هم مورد **کلام** و بحث واقع نمی‌شد. بنابراین مجهول بودن آنها ضرری به اعتبار **حدیث** نمی‌زند؛ خصوصاً وقتی مطابق با قواعد باشد و همین امر که این افراد مورد خطاب امام در این‌گونه مسائل بوده‌اند، معلوم می‌شود که از «اصحاب سر» بوده‌اند؛ کما اینکه برخی دیگر از سخنان مشابه در مورد مقامات انتم هم از طرف همین‌گونه افراد نقل شده است. [۱۰]

بخش‌های روایت

در مقام بیان مضمون این روایت باید گفت که این روایت از چند بخش تشکیل شده است:

۱. غایت بودن **انسان** کامل برای **خلقت** عالم؛
 ۲. برتری مقام امامت نسبت به نبوت؛
 ۳. برتری مقام عبودیت نسبت به هر مقامی دیگر.
- به این سه مقام بحث، در این روایت با این عبارات اشاره شده است که:

← فقره اول روایت

«اگر تو نبودی افلاک و کائنات را نمی‌آفریدم»؛ این بخش از روایت با روایات دیگری هم تأیید می‌شود که در جای خود ذکر شده است و منظور از آن، این است که «انسان کامل» هدف اصلی از خلقت **عالم** و کانون اصلی توجه خدا و مجرای اراده او در عالم خلقت است. در مقام توضیح این مطلب توسط حکما و **عرفا** مطالب بسیاری عنوان شده که در اینجا به یکی از تقریرات آنها اشاره می‌شود:

← تقریر عرفا

اگر جهت **وحدت** عالم نبود کثرت تحقق نمی‌یافت. سنخیت علت و معلول اقتضا می‌کند میان علت نخستین **جهان** که واحد من جمیع جهات است و هیچ جهت تکرر در او نیست و میان معلولات عالم که متکثرات و مختلفات می‌باشند، یک جهت وحدتی تحقق داشته باشد که از جهتی ارتباط با **وحدت** کل و از جهتی تناسب با عالم کثرت داشته باشد و این امر فقط در عالم نفس متحقق است؛ و این کار هر موجودی نیست؛ بلکه فقط نفوس پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و **اهل بیت** - علیهم‌السلام - هستند که می‌توانند این مهم را به‌عهده بگیرند؛ پس اگر نفس **پیامبر** نبود، جهت وحدت عالم تحقق نمی‌یافت و آن‌گاه کثرت هم تحقق نمی‌یافتند. [۱۱]

← فقره دوم روایت

و اما فقره بعدی روایت که می‌فرماید: «لولا علی لما خلقتک»؛ این بخش از روایت مربوط به برتری مقام **امامت** نسبت به نبوت است. می‌دانیم که نبوت به معنای پیام‌آوری است؛ اما امامت مقامی بالاتر است و آن مقام رسیدن به **توحید** کامل و رسیدن به خدا بعد از فنا از خویشتن است. براساس آیات **قرآن** حضرت **ابراهیم** بعد از طی مراحل و ابتلائاتی خاص در عین حالی که پیامبر بود، در نهایت به مقام امامت نائل شد. البته پیامبر **اسلام** نیز دارای مقام امامت بود؛ ولی چون مشخصه اصلی **حضرت علی علیه‌السلام** مقام امامت است و مشخصه ظاهری پیامبر هم نبوت، از این‌روی در مورد مقام امامت نسبت به **علی علیه‌السلام** تأکید شده است.

بنابراین در اینجا به‌هیچ‌وجه بحث بر سر برتر بودن علی - علیه‌السلام - نسبت پیامبر نیست؛ بلکه سخن بر سر برتری **امامت** نسبت به نبوت است؛ چراکه با دلایلی بدون تردید، می‌دانیم که مقام پیامبر از حضرت علی - علیه‌السلام - بالاتر است و مهم‌ترین دلیل این مطلب **سخن** خود علی - علیه‌السلام - است که: «انا عبد من عبید محمد»؛ [۱۲] من بنده‌ای از بنده‌گان محمدم.

← فقره سوم روایت

و اما در مقام سوم از بحث یا فقره سوم از روایت که می‌فرماید: «اگر فاطمه نبود شما دو تن را نمی‌آفریدم» - به همان **سیاق** فقره قبلی - اشاره به مقامی دارد که هرچند این مقام در خود پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - به نحو کمال وجود داشت، اما در فاطمه - سلام‌الله‌علیها - به‌عنوان مشخصه اصلی **اشکار** شد و آن مقام عبودیت است.

معنای لولا فاطمه...

بنابراین توضیح عبارت «لولا فاطمه لما خلقتکما» این خواهد بود که اگر به‌خاطر مقام عبودیت نبود، **امامت** و **نبوت** هم ناقص بود و به غایت خود نرسیده بود؛ چراکه نبوت و امامت مقدمه‌ای برای رسیدن به مقام عید مطلق است. البته این مقام در خود پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و علی - علیه‌السلام - نیز بود؛ ولی در فاطمه - سلام‌الله‌علیها - منحصرأ همین مقام تجلی کرد. بنابراین در این روایت تکیه اصلی بر آن حضرت **سلام** الله علیها شده است. حال آنکه هیچ دوئیت و کثرتی در **ذات** این انوار **مقدس** متصور نیست.

به این ترتیب مسلم است که مقام عبودیت در **کمال** خود اگر در کسی محقق شود، حتی از نبوت و امامت هم بالاتر است و خود **نبی** و **امام** هم به‌دلیل عبودیت به آن مقام رسیده‌اند و مسئولیت نبوت و امامت را متحمل شده‌اند و از طرفی بالاترین مقامی که در نزد خدا دارند، در نهایت مقام عبودیت آنان است. به بیان دیگر نبوت و امامت مشتمل بر نسبت آنان با **خلق** است؛ اما **عبودیت** بیان‌کننده جهت الاهی آنان است که بالاتر از نبوت و امامت است.

پانویس

- ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۵.
- ↑ مصباح الشریعة، المنسوب للإمام الصادق (ع)، ص ۷، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۵.
- ↑ میرجهانی طباطبایی، محمدحسن، الجنة العاصمة، ص ۱۴۸.
- ↑ نمازی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۱۶۹.
- ↑ مرندی، شیخ ابوالحسن، مجمع النورین، ص ۱۴.
- ↑ العوالم، ۴۴.
- ↑ مسعودی، شیخ محمدفاضل، الأسرار الفاطمیة، ص ۲۳۱.
- ↑ الأسرار الفاطمیة، شیخ محمد فاضل مسعودی، ص ۲۳۱.
- ↑ گرامی، محمدعلی، «لولا فاطمه»، ص ۱۴۱ - ۱۴۳، نقل به مضمون، ناشر: دفتر آیت‌الله محمدعلی گرامی، ۱۳۸۵.
- ↑ گرامی، محمدعلی، «لولا فاطمه»، ص ۲۴، نقل به مضمون، ناشر: دفتر آیت‌الله محمدعلی گرامی، ۱۳۸۵.
- ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۸۹ - ۹۰.

منبع

پایگاه اسلام کوئست، برگرفته از مقاله «فاطمه»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۰۶/۳۰.

رده‌های این صفحه : تاریخ معصومان | فضائل اهل بیت | حدیث شناسی | بررسی سندی